

مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۱۳- پاییز و زمستان ۱۳۹۴

دکتر آزیتا افراشی (دانشیار زبانشناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)^۱

طاهره همتی (کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران)^۲

رویدادهای حرکتی و راهبردهای ترجمه مسیر حرکت:

مورد پژوهشی کتاب «هابیت»

چکیده

زبان‌های فعل‌بنیاد و تابع‌بنیاد در بازنمایی مسیر حرکت در فرآیند ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد تفاوت‌های چشمگیری را نشان می‌دهند (اسلوبین ۱۹۹۶ الف؛ نقل شده در ایبارکس سانتینونو، ۲۰۰۳: ۱۵۳). در فرآیند ترجمه، مترجم می‌بایست ویژگی‌های زبان مبدأ را با ویژگی‌ها، امکانات و محدودیت‌های زبان مقصد هم‌سو سازد. بدین ترتیب در فرآیند ترجمه ویژگی زبان‌ها آشکار می‌گردد. در پژوهش حاضر نحوه‌ی بازنمایی مسیر در فرآیند ترجمه در یک اثر خاص و یک ترجمه از آن، از زبان انگلیسی به زبان فارسی بررسی شده است. فصل ششم رمان *هابیت* (۱۹۳۷) و ترجمه‌ی فارسی آن (علیزاده، ۱۳۸۳) داده‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب رمان *هابیت* در این پژوهش این است که در تمام پژوهش‌هایی که در زبان‌های مختلف تاکنون درباره‌ی بازنمایی رویدادهای حرکتی در ترجمه مورد بررسی قرار گرفته‌اند این رمان موضوع پژوهش بوده است. از این رو، امکان آن فراهم می‌آید تا نتایج این پژوهش‌ها مورد مقایسه قرار گیرد. از سوی دیگر، در فصل ششم رمان *هابیت* بازنمود رویدادهای حرکتی چشمگیر است. در این مقاله تلاش نموده‌ایم در خلال این ترجمه، با مقایسه‌ی دو متن موردنظر، راهکارهایی که مترجم فارسی‌زبان در توصیف مسیر حرکت اتخاذ نموده است را شناسایی نماییم و آن را با راهبردهای ترجمه‌ی مسیر حرکت اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) مقایسه نماییم و از این رهگذر و در محدوده‌ی این ترجمه به برخی ویژگی‌های کلی بازنمایی حرکت در زبان فارسی دست یابیم. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای ترجمه‌ی مسیر اسلوبین (همان) در ترجمه‌ی موردنظر صدق می‌کند. لیکن در محدوده‌ی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۵

پست الکترونیکی: 1. afrashi.ling@gmail.com

2. Hemmati37249@gmail.com

این ترجمه، توانستیم راهبردهای دیگری نیز بیابیم. بدین ترتیب امکانات و محدودیت‌هایی از زبان فارسی در قالب این ترجمه آشکار گردید. نتایج این پژوهش امکان پیشنهاد این فرض را فراهم آورد که زبان فارسی از لحاظ بازنمایی مسیر، الگوی مشابهی با زبان‌های تابع‌بنیاد دارد، هرچند به لحاظ انتخاب‌های دستوری و واژگانی ویژگی‌های متمایزی دارد. ولی از لحاظ بازنمایی مسیرهای پیچیده الگویی مشابه زبان‌های فعل‌بنیاد نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مسیر حرکت، رمان‌هابیت، راهبردهای ترجمه، زبان‌های فعل‌بنیاد، زبان‌های تابع‌بنیاد.

۱- مقدمه

هنگامی که درباره‌ی حرکت می‌اندیشیم، معمولاً حرکت انتقالی^۱ اولین نوع حرکتی است که به ذهن ما خطور می‌کند. این نوع حرکت، در مسیر معینی که خود توالی نقاط مسیر را نمایان می‌سازد روی می‌دهد (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۸). تمام زبان‌ها برای بازنمایی حرکت انتقالی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم شناخت بشر از روش‌های مختلف و متفاوتی بهره می‌گیرند. در تقسیم‌بندی دوگانه‌ی تالمی^۲ (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ب) زبان‌ها بر این اساس که مؤلفه‌ی معنایی مسیر حرکت را در کدام صورت زبان (ریشه‌ی فعل یا تابع^۳) رمزگذاری می‌کنند به دو طبقه‌ی زبان‌های فعل‌بنیاد^۴ و تابع‌بنیاد^۵ تقسیم می‌شوند. اسلوبین^۶ (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) از طریق مطالعه‌ی پیکره‌ای^۷ و مقایسه‌ی بین‌زبانی متون و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان‌های مختلف در بیان رویدادهای حرکتی، تقسیم‌بندی دوگانه‌ی تالمی (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ب) را مورد ارزیابی قرار داد و نشان داد که تحقیقات پیکره‌بنیاد، به ویژه در بررسی نحوه‌ی بیان حرکت در فرآیند ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد در این زمینه بسیار کارآمد

۱ translational motion

۲ L. Talmy

۳ satellite

۴ verb-framed

۵ satellite- framed

۶ D.I. Slobin

۷ corpus

است. بر پایه‌ی نظریه‌ی فکر کردن برای صحبت کردن^۱ (اسلوپین، ۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف وب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) در فرآیند ترجمه، شیوه‌های متفاوت تفکر سخنگویان زبان‌های مختلف نمایان می‌شود. به گفته‌ی اسلوپین (۱۹۹۱: ۱۲)، بیان تجربه در قالب‌های زبانی، اساس فکر کردن برای صحبت کردن را می‌نمایاند. یعنی، صورت خاصی از تفکر که برای ایجاد ارتباط مجهز می‌گردد و در قالب زبان بازنمایی پیدا می‌کند. تفکر حین تبدیل به کلام به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی می‌گردد. اسلوپین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف وب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) شیوه‌های متفاوت توصیف حرکت را در قالب راهبردهای ترجمه‌ی شیوه و مسیر حرکت مورد بررسی قرار داده است. نگارندگان در این جستار با بررسی مقابله‌ای بیان مسیر در رویدادهای حرکتی فصل ششم رمان *هابیت*^۲ (تالکین، ۳، ۱۹۳۷) به زبان انگلیسی و ترجمه‌ی فارسی (علیزاده، ۱۳۸۳) برآند تا به این پرسش پاسخ دهند که مترجم در محدوده‌ی این ترجمه^۴ و مشخصاً در انتقال مؤلفه‌ی معنایی مسیر حرکت به زبان فارسی از چه الگوهای حرکتی بهره می‌گیرد؟ به سخن دیگر، چگونه بین ویژگی‌های زبان مبدأ و زبان مقصد ارتباط برقرار می‌کند؟

۲- رمان *هابیت*

کتاب *هابیت*، رمانی تخیلی، فانتزی و طنزآمیز، اثر جان رچینالد تالکین (۱۸۹۲-۱۹۷۳)، نویسنده‌ی انگلیسی است که در سال ۱۹۳۷ منتشر شد. این اثر مقدمه و پیش‌درآمدی است بر کتاب سه‌گانه‌ی *ارباب حلقه‌ها*^۵. *قهرمان داستان*، *هابیت*^۶ کوچک و پشمالویی با موی بلند ابریشمین است که بیل‌بو

۱ Thinking for Speaking

۲ Hobbit

۳ J.R.R. Tolkien

۴ نگارندگان آگاه هستند که جهت قضاوت درباره‌ی ویژگی‌های زبان فارسی در این زمینه باید ترجمه‌های دیگر این اثر را نیز مورد بررسی قرار دهند. لذا در این جستار و در محدوده‌ی ترجمه‌ی موردنظر صرفاً پیش‌بینی‌هایی را در این باب ارائه می‌نماییم.

۵ The King of the Rings

۶ *هابیت*‌ها مردم کوچکی هستند. آن‌ها ریش ندارند. چیزهای خارق‌العاده و جادویی در آن‌ها کم است یا نیست، مگر آن چیزهای کوچک پیش پا افتاده ... مثلاً از یک فرسخی می‌شنوند و این ویژگی به آن‌ها کمک می‌کند که بی سروصدا و فوری غیبتان بزنند. اگر اوضاع مساعد باشد شکم‌شان خیلی چربی می‌آورد؛ لباس‌هایی به رنگ روشن می‌پوشند (عمدتاً

بگینز نام دارد. بیل‌بو بگینز هابیت نجیب‌زاده‌ای است که در سرزمین میانه، در سوراخی توی زمین زندگی می‌کند و به تعبیر نویسنده، دستش به دهانش می‌رسد. بیل‌بو برخلاف میل باطنی‌اش توسط گندلاف (جادوگر) و سیزده کوتوله (دورف‌ها) برای بازستاندن گنجینه‌ی پدرانشان از دست اژدهای ستمگری به نام اسماک وادار می‌شود تا زندگی بی‌دردسرش را رها کند و این‌گونه است که گرفتار سفر و ماجراهای پرفراز و نشیبی می‌شود. تالکین (۱۹۳۷) در نوزده فصل، این ماجراهای هیجان‌انگیز را ترسیم می‌نماید و این شامل برخورد با دشمن، تصادم، فرار یا پیروزی و پی‌گرفتن سفر است.

فصل ششم کتاب با عنوان «از چاله به چاه»، مملو است از رویدادها و مسیرهای پر پیچ و خمی که شخصیت‌های داستان می‌پیمایند و در این بین با حوادث و ماجراهای هیجان‌انگیزی دست و پنجه نرم می‌کنند. نگارندگان، این فصل از کتاب را برای تحلیل برگزیده‌اند. زیرا همان‌گونه که اشاره شد، نویسنده در فصل مورد بحث رویدادهای حرکتی بسیاری را ترسیم نموده است. همچنین، این اثر به بیش از ۲۵ زبان زنده دنیا از جمله زبان فارسی برگردانده شده است. از این رو، پیکره‌ی مناسبی برای تحلیل مورد نظر محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است که زبان‌شناسانی نظیر اسلویین (۲۰۰۵)، ایبارکس سانتینونو^۱ (۲۰۰۳)، سوگیاما^۲ (۲۰۰۰) و آه^۳ (۲۰۰۳)، نیز در بررسی بازنمود رویدادهای حرکتی در فرآیند ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد این فصل از رمان هابیت را برای تحلیل خود برگزیده‌اند. هدف آن‌ها از بررسی ترجمه‌ی رویدادهای حرکتی در ترجمه و مشخصاً پیکره‌ی مورد بحث به زبان‌های مختلف پاسخ به این پرسش بوده است که زبان‌های مختلف که متعلق به گروه‌های رده‌شناختی متفاوتی هستند به چه نحوی خود را با ویژگی‌های زبان مبدأ منطبق می‌سازند. به نظر نگارندگان این مقاله، انتخاب اثری که در

سبز و زرد؛ کفش پا نمی‌کنند، چون پاشان به طور طبیعی کف چرم‌مانندی دارد و روی آن موهای انبوه و گرم و قهوه‌ای رنگی می‌روید که خیلی شبیه موهای سرشان است (که جعد دارد)؛ انگشتان بلند و چالاک و سبزه، و صورت مهربان دارند، و موقع خنده، خنده‌شان از ته دل است. آن‌ها دروغ نمی‌گویند، کودکانه معصوم‌اند و جاه‌طلبی متکبرانه ندارند (تالکین، ترجمه‌ی علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳).

۱ I. Ibarretxe-Antunano

۲ Y. Sugiyama

۳ K. Oh

مطالعه‌ی راهبردهای حرکت در ترجمه به طور یکسان مورد استفاده قرار گرفته امکان آن را فراهم می‌آورد تا گستره‌ای از پژوهش‌های متناظر قابل مقایسه باشند.

اسلوبین (۲۰۰۵: ۳) با مینا قرار دادن رویکرد معنی‌شناسی مکانی - توزیعی^۱ سینها^۲ و کوتوا^۳ (۱۹۹۵) اذعان می‌دارد که این رویکرد نقش عمده‌ای در نمایاندن تمام زوایای حرکت و نحوه‌ی رمزگذاری آن ایفا می‌نماید. در رویکرد معنی‌شناسی مکانی - توزیعی، اطلاعات معنی‌شناسی روابط مکانی در صورت‌ها و ساخت‌های متنوعی توزیع می‌گردد و صرفاً به یک نوع صورت زبانی خاص محدود نمی‌گردد. اسلوبین (۲۰۰۵) با بازکاوی ترجمه‌ی فصل ششم کتاب موردنظر به چندین زبان تابع‌بنیاد و فعل‌بنیاد، راهبردهای ترجمه‌ی حرکت را مورد توجه قرار می‌دهد. سوگیاما (۲۰۰۰)، با بررسی ترجمه‌ی فصل ششم داستان هابیت به زبان ژاپنی و رمزگذاری رویدادهای حرکتی در این زبان در فرآیند ترجمه نشان می‌دهد که زبان ژاپنی به عنوان یک زبان فعل‌بنیاد در مقایسه با زبان انگلیسی دارای تعداد افعال کمتری در بیان شیوه‌ی حرکت است. با این وجود، زبان ژاپنی از عبارتهای ترکیبی بیشتری برای بازنمود این مؤلفه‌ی حرکتی بهره می‌گیرد. اُه (۲۰۰۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل ترجمه‌ی کتاب هابیت به زبان کره‌ای"^۴، ترجمه‌ی داستان هابیت به زبان کره‌ای را بررسی کرده و نحوه‌ی بازنمایی شیوه و مسیر حرکت در زبان‌های کره‌ای و انگلیسی را تحلیل نموده است.

رمان هابیت توسط ماه منیر فتحی با نام هابیت‌ها یا رفت و برگشت از سفر (۱۳۸۱)، پریا آقاسی بیگ با نام هابیت، آنجا و بازگشت دوباره (۱۳۸۱)، فرزاد فرید با نام هابیت (۱۳۸۱)، شاهده سعیدی با نام هابیت (۱۳۸۲)، رضا علیزاده با نام هابیت، یا آنجا و بازگشت دوباره (۱۳۸۳) و نازنین پوریان با نام هابیت، آنجا و بازگشت دوباره (۱۳۹۰) به زبان فارسی ترجمه شده است. نگارندگان، به جهت بررسی بازنمود رویدادهای حرکتی فصل ششم کتاب با ترجمه‌ی فارسی آن، ترجمه‌ی رضا علیزاده

^۱ distributed spatial semantics

^۲ C. Sinha

^۳ T. Kuteva

^۴ Korean translation of The Hobbit

(۱۳۸۳) را برگزیده‌اند. دلیل این انتخاب ارزیابی خوانندگان و مراکز انتشاراتی به عنوان یکی از پرفردارترین و روان‌ترین ترجمه‌ها بود.

۳- مفاهیم نظری پژوهش

۳-۱- رویداد حرکتی و جزء حرکتی

تالمی (۲۰۰۰ب: ۲۵)، بر این باور است که یک رویداد حرکتی^۱، موقعیتی است که در آن حرکت و یا تداوم^۲ ایستایی^۳ رخ دهد. تالمی (۲۰۰۰ب) رویداد حرکتی را به مؤلفه‌های معنایی پیکر^۴، زمینه^۵، جزء حرکتی^۶ و مسیر^۷ حرکت و دو مؤلفه‌ی جانبی شیوه و سبب تقسیم می‌کند. به زعم وی (۲۰۰۰ب: ۲۵)، جزء حرکتی به عنوان یکی از عناصر بنیادین رویدادهای حرکتی، به حضور یا عدم حضور حرکت انتقالی و یا به حضور حرکت یا استقرار در رویداد مربوط است مانند افعال «قدم‌زدن»^۸ و «رفتن»^۹. تنها این دو موقعیت محرک^{۱۰}، توسط زبان به لحاظ ساختاری بازشناخته می‌شوند. تالمی (همان: ۲۶) می‌افزاید: «حرکت انتقالی، حرکتی است که در آن مکان پیکر^{۱۱} در یک دوره‌ی زمانی موردنظر تغییر می‌یابد. یعنی، به تغییر مکان اولیه یک شیء نسبت به شیء دیگر دلالت می‌کند»^{۱۲}، مانند فعل «شناکردن»^{۱۲}. منظور از جزء حرکتی در رویداد حرکتی، حرکت انتقالی است و نه

۱ motion event

۲ continuation

۳ stationary

۴ figure

۵ ground

۶ motion

۷ path

۸ walk

۹ go

۱۰ motive states

۱۱ طبق صلاح‌دید فرهنگستان و اساتید پژوهشگاه، معادل پیکر برای واژه‌ی figure انتخاب شده است.

۱۲ swimming

حرکت «بومرنگی»^۱، مانند آن چه در افعالی مانند «تکان دادن»^۲ و «چرخاندن»^۳ وجود دارد. حرکت بومرنگی حرکتی است که جایگاه پیکر بعد از حرکت تغییر نمی‌کند، یعنی پیکر بعد از حرکت به جایگاه ابتدایی خود بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، پیکر جایگاهی اولیه خود را حفظ کرده و بعد از حرکت به جایگاه اولیه‌ی خود بازمی‌گردد (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۶).

۳-۲- مسیر حرکت

از میان شش عنصر معنایی حرکت، که هر یک نقش عمده‌ای در ساختار مفهومی رویداد حرکتی ایفا می‌نمایند، حرکت شیء در طول یک مسیر و در جهتی مشخص، اطلاعات پایه‌ی رویداد حرکتی را دربرمی‌گیرد (ایبارکس ساتینونو، ۲۰۱۲: ۶). مسیر حرکت، پیکر را به محیط رویداد مرتبط می‌سازد. زمینه نیز بخشی از این محیط است که پیکر نسبت به آن یا به طور ایستا قرار گرفته است و یا در حال حرکت می‌باشد (تالمی، ۲۰۰۰: ۵۶). به زعم برتله^۴ (۲۰۰۴: ۹۶)، از آن‌جا که هسته‌ی مفهومی^۵ هر رویداد از طریق مکان قرارگیری پیکر نسبت به زمینه تعیین می‌گردد، پیکر به همراه مسیر حرکت طرح‌واره‌ی کلی مفهوم‌سازی حرکت را ایجاد می‌کند. در برخی موارد، مانند جمله‌ی زیر، مسیر به تنهایی طرح‌واره‌ی هسته محسوب می‌گردد، در این‌جا، زمینه به وضوح بیان نشده است:

1-The boy fell down.

(پسریچه پایین افتاد.) (برتله، همان).

تالمی (۲۰۰۰: ۱۰۵)، معتقد است که مؤلفه‌ی مسیر در زبان انگلیسی و تقریباً تمام زبان‌های هند و اروپایی به طور کامل از طریق ترکیب یک تابع و یک حرف اضافه صورت‌بندی می‌شود مانند جمله‌ی زیر:

2-I ran out of the house.

(از خانه بیرون دویدم.)

۱ self-contained motion

۲ shaking

۳ twisting

۴ R. Berthele

۵ conceptual core

به نظر تالمی (۲۰۰۰ب: ۵۳-۵۶)، مؤلفه‌ی مسیر که از اجزاء سازنده‌ی رویداد حرکتی محسوب می‌شود، خود دارای ساختاری متشکل از مؤلفه‌های بُردار^۱، انطباق^۲ و صورت‌های اشاره^۳ می‌باشد^۴:

۱- بُردار، جهت حرکت پیکر نسبت به زمینه را نشان می‌دهد. در این‌جا، زمینه می‌تواند منبع، مسافت‌نما یا مقصد باشد. بُردار بر حرکت از یک منبع (مانند حرف اضافه‌ی "from" [از]، در فعل حرکت "move from" [حرکت از])، یا به سوی مقصد (مانند حرف اضافه‌ی "to" [در]، در فعل حرکتی "move to" [حرکت به]) اشاره دارد.

۲- انطباق، به شکل هندسی زمینه اشاره دارد همانند حروف اضافه‌ی "into" [داخل]، "out of" [خارج از] که ظرف بودن زمینه و "on" [روی] که مسطح بودن زمینه را نشان می‌دهند.

۳- مؤلفه‌ی صورت‌های اشاره‌ی مسیر، صرفاً به دو مفهوم «به سوی گوینده»^۵ و نیز به جهتی غیر از جهت گوینده اشاره دارد.

اسلوبین (۲۰۰۸)، به عنوان چهارمین عنصر سازنده‌ی مسیر حرکت، تغییر مکان زمین-مبنا را معرفی می‌نماید. این مؤلفه، جهت حرکت را بر پایه‌ی هندسه زمین توصیف می‌کند مانند مختصات شمال-جنوب، شرق-غرب، بالا-پایین و جز آن. به عنوان نمونه، افعال اسپانیائی "ascender" (رو به بالا رفتن) و "descender" (رو به پایین رفتن)، حرکت در محور عمودی را نشان می‌دهند.

به طور کلی، بردار، انطباق، صورت‌های اشاره و تغییر مکان بر اساس زمین-مبنا، به عنوان مؤلفه‌های مسیر، نقش بسزایی در بررسی بینابانی نوع اطلاعات مربوط به مسیر در افعال مسیرنما ایفا می‌-

۱ vector

۲ conformation

۳ deictic

۴ بردار، انطباق و صورت‌های اشاره عناصر تشکیل‌دهنده مسیر در زبان‌های گفتاری است. حال آن‌که در زبان‌های اشاره، دو مؤلفه‌ی منحنی آهنگ (contour) و جهت (direction) نیز از عناصر اصلی مسیر تلقی می‌شوند (تالمی، ۲۰۰۰ب: ۵۳).

۵ Toward the speaker

نمایند. در کنار این روش تحلیل، پژوهشگرانی از جمله والچلی^۱ (۲۰۰۱)، روش‌های دیگری را نیز در این زمینه ارائه می‌نمایند.

والچلی (۲۰۰۱)، شش نوع مسیر و یا به تعبیر وی شش «تغییر مکان بنیادین»^۲ را معرفی می‌نماید و آن را با حروف لاتین به شرح زیر نامگذاری می‌نماید:

۱. AD، یعنی پیکر به سمت زمینه حرکت می‌کند.

۲. IN، یعنی پیکر به داخل زمینه حرکت می‌کند.

۳. SUPER، یعنی پیکر بر روی زمینه حرکت می‌کند.

۴. AB، یعنی پیکر از زمینه دور می‌شود.

۵. EX، یعنی پیکر از زمینه خارج می‌شود.

۶. DE، یعنی پیکر از زمینه پایین می‌رود.

وی همچنین (۲۰۰۸)، پنج حوزه‌ی^۳ پایه برای مسیر حرکت پیشنهاد می‌نماید که عبارتند از:

خارج شدن^۴، وارد شدن^۵، رو به بالا رفتن^۶، رو به پایین رفتن^۷، عبور کردن^۸. در طرح پیشنهادی وی، نوع AD مسیر حذف می‌گردد.

سیفویئیس - فرز^۹ (۲۰۰۸)، نیز با بررسی انواع بازنمایی‌های مسیر در زبان‌های مختلف، آن را به دسته‌های زیر تقسیم می‌نماید:

۱ B. Walchli

۲ cardinal kinds of displacement

۳ domain

۴ exit

۵ enter

۶ ascend

۷ descend

۸ pass

۹ P. Cifuentes Férez

۱. به سوی زمینه: آمدن
 ۲. دور از زمینه: بردن
 ۳. به درون زمینه: داخل شدن
 ۴. به سمت بیرون از زمینه: درآوردن
 ۵. به بالا: ارتفاع گرفتن
 ۶. به پایین: پیاده شدن
 ۷. عبور از زمینه: عبورکردن
 ۸. نزدیک‌تر به زمینه: جلوکشیدن
 ۹. به جلو: پیش رفتن
 ۱۰. به عقب: عقب‌نشینی کردن
 ۱۱. تغییرجهت: دور زدن
 ۱۲. جهت‌های چندگانه از یک نقطه شروع واحد: پاشیدن
 ۱۳. پشت سر زمینه: تعقیب کردن
- بر طبق بررسی‌های مسگرخویی (۱۳۹۲) بر روی افعال مسیرنمای زبان فارسی و بازکاوی ماهیت معنی‌شناختی آن‌ها، رایج‌ترین انواع مسیر در زبان فارسی «دور از زمینه»، «به پایین»، «به سوی زمینه»، «به بیرون از زمینه»، «به بالا» و «به درون زمینه» می‌باشند.
- ۳-۳- افعال مسیرنما^۱
- همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، مفهوم‌سازی هر رویداد از طریق مکان‌قرارگیری پیکر نسبت به زمینه تعیین می‌گردد. از این رو مسیر حرکت اطلاعات بنیادین حرکت را می‌نمایاند. برای شناسایی و تحلیل بینابانی رویدادهای حرکتی و مسیر حرکت در داده‌های پژوهش لازم است در ابتدا به شرح افعال حرکتی و مشخصاً افعال مسیرنما پردازیم.

^۱ path verbs

افعال حرکتی به افعالی اطلاق می‌گردد که حرکت و مؤلفه‌های معنایی رویداد حرکتی را می‌نمایانند. افعال حرکتی از این منظر که کدام یک از مؤلفه‌های معنایی را رمزگذاری می‌کنند به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

افعال حرکت‌نما^۱: به افعالی دلالت دارد که از میان اجزاء معنایی مختلف حرکت صرفاً جزء حرکتی را واژگانی می‌کنند مانند فعل «حرکت کردن» در زبان فارسی.

افعال شیوه‌نما^۲: فعل‌های حرکتی هستند که علاوه بر حرکت، شیوه‌ی حرکت را صورت‌بندی می‌کنند مانند فعل «خزیدن» در زبان فارسی و فعل «slide» در زبان انگلیسی.

افعال مسیرنما: به فعل‌های حرکتی گفته می‌شود که علاوه بر حرکت، مسیر حرکت را نیز بیان می‌دارند مانند افعال فارسی «رفتن» و «آمدن» و فعل انگلیسی «go».

افعال مسیرنما و شیوه‌نما: به افعال حرکتی اطلاق می‌گردند که هم مؤلفه‌ی مسیر و هم مؤلفه‌ی شیوه‌ی حرکت را واژگانی می‌کنند. از جمله این افعال می‌توان به فعل «شیرجه رفتن» در زبان فارسی و «march» در زبان انگلیسی اشاره نمود.

با توجه به طبقه‌بندی دوگانه‌ی تالمی (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ب) برخی زبان‌ها (زبان‌های فعل‌بنیاد) مؤلفه‌ی مسیر را در ریشه‌ی فعل بیان می‌کنند که با توجه به توضیحات فوق به این گونه افعال، مسیرنما گفته می‌شود. برخی از زبان‌ها هم که در دسته زبان‌های تابع‌بنیاد جای می‌گیرند مسیر حرکت را در تابع فعل بیان می‌کنند. تالمی (۲۰۰۷: ۱۳۹) تابع را مقوله‌ی دستوری‌ای می‌داند که بین آن و ریشه‌ی فعل رابطه‌ی خواهری برقرار است و شامل هر سازه‌ای غیر از متمم اسمی و یا گروه حرف اضافه در جمله می‌باشد. به کلام دیگر، تابع یک مقوله‌ی دستوری بسته است و می‌تواند وند، قید و یا یک واژه آزاد باشد. به اعتقاد تالمی (۲۰۰۷)، ادات فعلی^۳ در زبان انگلیسی تابع فعل محسوب می‌گردند مانند سازه‌ی up در جمله زیر:

3-He climbed up.

^۱ motion verbs

^۲ manner verbs

^۳ particles

در پی بررسی رده‌شناختی مقوله‌ی تابع^۱ در ساخت رویدادی افعال حرکتی زبان فارسی در مقاله‌ی حامدی شیروانی و شریفی (۱۳۹۳)، تابع در زبان فارسی در میان نمودهای صوری، به صورت پیشوند در فعل‌های پیشوندی مانند «فرو» (به معنای پایین و در پایین) در فعل پیشوندی «فروآمدن» و پیشوند استمراری «می» در فعل‌های استمراری مانند فعل «می‌رفتم» و همچنین یک واژه‌ی آزاد در افعال مرکب نظیر جزء فعلی «بیرون» در فعل مرکب «بیرون آوردن» بیان می‌شود (حامدی شیروانی و شریفی، ۱۳۹۳: ۸۳).

در این پژوهش با مبنا قرار دادن دیدگاه تالمی (۱۹۸۵؛ ۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ب) در خصوص رویداد حرکتی و اجزاء آن، آراء اسلوبین در قالب راهبردهای ترجمه (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) و دیدگاه معنی‌شناسی مکانی - توزیعی سینها و کوتوا (۱۹۹۵) و نیز با استناد به دستاوردهای پژوهشی حامدی شیروانی و شریفی (۱۳۹۳) و مسگرخویی (۱۳۹۲) به ترتیب در باب مقوله‌ی تابع در زبان فارسی و ماهیت معنی‌شناختی افعال مسیرنما در زبان فارسی به واکاوی و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر می‌پردازیم و راهبردهایی که مترجم فارسی‌زبان در بیان مؤلفه‌ی مسیر در فرآیند ترجمه اتخاذ نموده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شایان ذکر است که داده‌های پژوهش حاضر مشتمل است بر تمام رویدادهای حرکتی متن مورد نظر (فصل ششم رمان هابیت) که دارای اطلاعاتی درباره‌ی مسیر حرکت می‌باشند. پس از شناسایی رویدادهای حرکتی مورد نظر در متن اصلی، بررسی می‌نماییم که در ترجمه‌ی فارسی، اطلاعات مربوط به مسیر حرکت در کدام صورت زبانی رمزگذاری شده است. بدین ترتیب به الگوی حرکتی نویسنده و مترجم در بیان هر رویداد حرکتی دست می‌یابیم و رفتار این دو سخنگوی انگلیسی‌زبان و فارسی‌زبان را در بیان مسیر حرکت مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۴- راهبردهای ترجمه‌ی مسیر (اسلوبین)

اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) در بررسی فرآیند ترجمه‌ی مؤلفه‌ی مسیر حرکت از زبان‌های تابع‌بنیاد به زبان‌های فعل‌بنیاد راهبردهای زیر را معرفی می‌نماید و بر این باور

۱ حامدی شیروانی و شریفی (۱۳۹۳) در پژوهش خود از واژه‌ی قمر به جای تابع استفاده کرده‌اند.

است که مترجم در فرآیند ترجمه‌ی مسیر حرکت از زبان مبدأ به زبان مقصد یکی از راهبردهای زیر را اتخاذ می‌نماید:

۱- حذف برخی عناصر مسیر (P-1)

۲- درج یک فعل مسیرنمای جدید برای بیان مسیر (P-2)

۳- بیان تمام اطلاعات مربوط به مسیر حرکت (P-3)

بررسی راهبردهای فوق در داده‌های پژوهش حاکی از آن است که مترجم در اکثر موارد اطلاعات مربوط به مسیر حرکت را به زبان فارسی ترجمه نموده است (P-3).

نمونه‌های زیر مؤید مطالب فوق است. البته این انتخاب می‌تواند نتیجه‌ی عملکرد مشخص مترجم باشد و نه بازنمایندگی گرایش مشخصی از زبان.

4-Then I follow him.

بعد افتادم دنبالش.

فعل انگلیسی follow، (دنبال کردن، پشت سر کسی رفتن)، یک فعل حرکتی مسیرنما به شمار می‌آید. فعل فارسی (دنبال کسی افتادن) به معنای دنبال کسی رفتن، فعل حرکتی مسیرنمایی است که مترجم معادل فعل حرکتی در جمله‌ی اصلی قرار داده و از این طریق اطلاعات مربوط به مسیر حرکت (قبل از زمینه) را به طور کامل به زبان فارسی ترجمه نموده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما

5-I take off my hood to you.

من به افتخار تو باشلقم را برمی‌دارم.

در جمله‌ی اصلی، عبارت فعلی take off (برداشتن)، یک فعل مسیرنما محسوب می‌گردد. این عبارت فعلی از ساختار (فعل + تابع) تشکیل شده که تابع آن بر مسیر حرکت تأکید می‌دارد. در ترجمه‌ی فارسی این جمله، فعل حرکتی (برداشتن)، به عنوان یک فعل مسیرنما بر مسیر حرکت (به سمت دور از زمینه) اشاره دارد. لازم به ذکر است که این فعل یک فعل پیشوندی است و بنا به گفته‌ی حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳: ۸۱)، پیشوند (بر) در فعل پیشوندی (برداشتن) تابع محسوب می‌گردد.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسير نما

الگوی اصلی مترجم: فعل مسير نما

6- If we have got to **go back** now **in to that abominable tunnels** ...

اگر الان مجبور باشیم برگردیم به آن نقب‌های کثافت...

در جمله‌ی اصلی، یک فعل مسير نما مشاهده می‌گردد (go back) که ستاک آن مسير حرکت به سمت دور از زمینه را نشان می‌دهد و تابع فعل (back) مسير کلی حرکت را ترسیم می‌نماید. مترجم برای انتقال این رویداد حرکتی به زبان فارسی، از فعل مسير نما (برگشتن) استفاده کرده است. برگشتن، یک فعل مسير نما محسوب می‌گردد که تابع آن (بر)، مسير بازگشت به زمینه را نشان می‌دهد. در این تحلیل نگارندگان مقاله‌ی حاضر با نظر حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳: ۸۱) هم‌عقیده هستند. همچنین گروه حرف اضافه در هر دو جمله، مسير دقیق این حرکت را بیان می‌دارد. ممکن است این تصور در ذهن برخی فارسی‌زبانان پیش آید که گروه حرف اضافه (به آن نقب‌های کثافت) جزئی از مفهوم‌سازی فعل نیست، در حالی که (برگشتن) به قمر درونی [ظرفیت فعل] در معنای (برگشتن به جایی) نیاز دارد. در این جا مترجم تمام عناصر مسير را به طور دقیق و کامل به زبان فارسی بیان داشته است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسير نما + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسير نما + گروه حرف اضافه

7- As he crawled **in to the bushes** at the edge of the dell.

همین‌طور که می‌خزید لای بوته‌های حاشیه‌ی دره

در جمله‌ی اصلی، فعل حرکتی crawl (خزیدن)، به عنوان فعل شیوه‌نما، شیوه‌ی حرکت را بیان می‌کند. گروه حرف اضافه‌ی in to the bushes نیز مسير دقیق حرکت را نشان می‌دهد. مترجم با انتخاب فعل شیوه‌نمای (خزیدن)، اطلاعات مربوط به حرکت و شیوه‌ی حرکت مورد نظر نویسنده را به زبان فارسی ترجمه کرده است و مؤلفه‌ی مسير حرکت را نیز همچون نویسنده در گروه حرف اضافه گنجانده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم: فعل شیوه‌نما + گروه حرف اضافه

8- Bilbo has **escaped** the goblins.

بیل بو از دست گابلین‌ها فرار کرده بود.

در این جمله، فعل انگلیسی **escape** (فرار کردن)، فعل حرکتی شیوه‌نما و مسیرنما به شمار می‌آید. بدین معنا که علاوه بر حرکت، مؤلفه‌ی شیوه و مسیر حرکت (دور شدن از زمینه) را نیز نشان می‌دهد. در ترجمه‌ی این رویداد حرکتی به زبان فارسی، مترجم از فعل حرکتی (فرار کردن) استفاده کرده است. این فعل نیز یک فعل شیوه‌نما و مسیرنما محسوب می‌گردد که اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت (به سمت دور از زمینه) را می‌نمایاند. در این‌جا (فرار) سازه‌ی فرآیندنما و (کردن) فعل‌نما می‌باشد. فعل‌نما سازه‌ی خودایستایی است (فعل‌های سبک یا هم‌کرد) که به لحاظ شخص، شمار، زمان، وجه و نمود تصریف می‌شود. سازه‌ی فرآیندنما می‌تواند اسم یا گروه اسمی و یا عبارت حرف اضافه‌ای باشد که می‌توان آن را نیز اسم در نظر گرفت (ساسانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما و شیوه‌نما

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما و شیوه‌نما

در برخی نمونه‌ها نیز مشخص شد که مترجم اطلاعات مربوط به مسیر حرکت را در فرآیند ترجمه بیان نکرده است (p-1). برای مشاهده‌ی این راهبرد در ترجمه‌ی مورد بحث می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

9-...we saw the goblins **running back** yelping.

و دیدیم گابلین‌ها زوزه‌کشان فرار می‌کردند.

فعل حرکتی **run** (فرار کردن)، شیوه و مسیر حرکت را می‌نمایاند. بنابراین یک فعل شیوه‌نما و مسیرنما محسوب می‌گردد. نویسنده با استفاده از تابع (back)، مسیر حرکت (به سمت عقب) را بیان می‌کند. نویسنده‌ی فارسی زبان برای بیان این رویداد حرکتی، فعل حرکتی (فرار کردن) را انتخاب نموده است و بدین طریق مؤلفه‌های مسیر و شیوه‌ی حرکت را در این فعل مرکب بیان می‌دارد. با توجه به توضیحاتی که پیش‌تر ارائه گشت (فرار) در فعل (فرار کردن)، تابع به حساب می‌آید. در

این جا، اطلاعات مسیر حرکت به درستی به زبان فارسی ترجمه شده است. با این تفاوت که در ترجمه، مسیر دقیق حرکت به سمت عقب بیان نشده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما و شیوه‌نما

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما و شیوه‌نما

10- Bilbo stepped down in to the middle of them

- یل‌بو پا گذاشت به وسط جمع آن‌ها

فعل مسیرنمای step (پا گذاشتن) مسیر حرکت به درون زمینه را نشان می‌دهد و تابع آن down، مسیر کلی حرکت به سمت پایین را می‌نمایاند. حال در ترجمه‌ی فارسی این جمله، مترجم فعل (پا گذاشتن)، به معنای وارد شدن را انتخاب کرده است که اطلاعات مربوط به مسیر حرکت (به درون زمینه) را در این رویداد نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که در هر دو جمله، گروه حرف اضافه، مسیر دقیق این حرکت را نشان می‌دهد. لیکن مسیر حرکت به سمت پایین در ترجمه حذف شده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما + حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما + حرف اضافه

11- And ran down to the gate.

و دویدم طرف دروازه.

فعل حرکتی run (دویدن)، شیوه و مسیر کلی حرکت (به سوی زمینه) را نشان می‌دهد. مترجم فعل حرکتی (دویدن) را معادل آن قرار داده است و دقیقاً همان شیوه و مسیر حرکت مورد نظر نویسنده را به زبان فارسی بیان می‌کند. تابع فعلی down و گروه حرف اضافه‌ی to the gate، به ترتیب مسیر کلی و حرکت دقیق پیکر را نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، مترجم با استفاده از گروه حرف اضافه‌ی (طرف دروازه)، بخشی از مسیر حرکت را به زبان فارسی ترسیم می‌نماید و بخش دیگری از مسیر حرکت که در جمله‌ی اصلی توسط تابع فعل بیان شده است در جمله‌ی فارسی حذف گردیده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + گروه حرف اضافه

12- And fled into the forest...

- و پا به فرار گذاشته بودند ...

در جمله‌ی فوق اطلاعات مربوط به شیوه و مسیر حرکت (دور از زمینه)، در فعل شیوه‌نما و مسیرنمای flee (فرار کردن)، بیان شده است. مترجم فارسی‌زبان نیز فعل حرکتی (پا به فرار گذاشتن) را معادل آن قرار داده است. این گروه فعلی نیز به عنوان یک فعل شیوه‌نما و مسیرنما دقیقاً همان مفاهیم حرکتی موردنظر در جمله‌ی اصلی را واژگانی می‌کند. تنها تفاوتی که مشاهده می‌گردد آن است که در جمله‌ی اصلی، مسیر دقیق حرکت که در یک گروه حرف اضافه بیان شده است در ترجمه‌ی فارسی نیامده است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم: فعل شیوه‌نما و مسیرنما

لازم به توضیح است که از ۱۷۵ نمونه از رویدادهای حرکتی پیکره‌ی مورد بررسی که مسیر حرکت را توصیف می‌کنند، در ۱۱۶ مورد (۶۶،۲۸٪)، مترجم فارسی مسیر حرکت را به طور کامل بیان داشته است و طبق راهبردهای ترجمه‌ی اسلوبین از راهبرد p-3 استفاده کرده است. این در حالی است که تنها در ۱۸ مورد (۱۰،۲۸٪)، اطلاعات مربوط به مؤلفه‌ی مسیر حذف شده است (p-1). شایان ذکر است که در برخی از این نمونه‌ها، اطلاعات مربوط به مسیر حرکت در درون متن نمایان است. نمونه‌ی زیر مؤید تأثیر بافت در به تصویر کشیدن مسیر حرکت می‌باشد:

13- Then lumps of rocks were disturbed and **bounded off**.

- بعد تخته سنگ‌ها به حرکت درآمدند و **غلتیدن**.

فعل انگلیسی bound (جست و خیز کردن)، فعل حرکتی شیوه‌نما محسوب می‌گردد. تابع (off)، بیانگر مسیر حرکت (به سمت پایین) می‌باشد. مترجم فارسی‌زبان، فعل شیوه‌نمای (غلتیدن) را معادل آن قرار داده و بدین ترتیب، شیوه‌ی حرکت در جمله‌ی اصلی را به زبان فارسی بیان داشته است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما + تابع

الگوی حرکتی مترجم: فعل شیوه‌نما

در نمونه‌ی ۱۳، مسیر حرکتی که در تابع فعل بیان شده است در ترجمه‌ی فارسی آن حذف گردیده است. لیکن، متن به ما کمک می‌کند تا این مسیر را برای پیکر مجسم نماییم. جملات پیش و پس از این نمونه این ادعا را تأیید می‌کند:

وقتی پایین رفتن از سرازیری را شروع کردند، خرده سنگ‌ها و ریگ‌ها از زیر پاشان به طرف پایین غلتید. خیلی زود قطعات بزرگتر سنگ گرومپ گرومپ راه افتاد و باعث شد که قطعه‌های زیری شروع کنند به سُر خوردن و غلتیدن؛ بعد تخته سنگ‌ها به حرکت درآمدند و غلتیدن و توی خاک و خل و سرو صدا سقوط کردند (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

لازم به ذکر است که علاوه بر دو راهبرد فوق، مترجم در بیان مسیر حرکت در نمونه‌هایی از راهبرد درج یک فعل مسیرنما جدید (p-2) نیز بهره گرفته است. یعنی یک فعل مسیرنما به جمله‌ی اصلی می‌افزاید. نمونه‌های زیر نشانگر این راهبرد است:

14- And was off again.

و دوباره راه افتاد و رفت.

نویسنده در این عبارت با توجه به ابزارهای زبانی که زبان انگلیسی در اختیار وی قرار می‌دهد، صرفاً با آوردن یک تابع فعلی off، حرکت و مسیر حرکت به سمت دور از زمینه را ترسیم می‌کند. با توجه به جملات قبلی متن، منظور از حرکت کردن، پرواز کردن پیکر (عقاب) می‌باشد که در این جمله مستتر است. حال، مترجم فارسی‌زبان در مواجهه با این ساختار و برای بیان این رویداد حرکتی از دو فعل مسیرنما بهره گرفته است؛ فعل مسیرنمای (به راه افتادن) و فعل مسیرنمای (رفتن) که مسیر حرکت به دور از زمینه را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، در این جا مترجم برای بیان مسیری که توسط تابع در جمله‌ی اصلی آمده است از یک فعل مسیرنما بهره گرفته است.

الگوی حرکتی نویسنده: تابع

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما + فعل مسیرنما

15-The flames about the trees sprang suddenly up above the highest branches.

شعله‌های دور و اطراف درخت‌ها یک دفعه بالا جست و به مرتفع‌ترین شاخه‌ها رسید.

در نمونه ۱۵ با دو مسیر حرکت مواجه هستیم که در تابع (up) و گروه حرف اضافه‌ی (above the highest branches) واژگانی شده است. به عبارت دیگر، در این جا دو مسیر حرکت در یک رویداد حرکتی ترسیم شده است که اسلویین (۱۹۹۶ الف) آن را **مسیرهای پیچیده**^۱ یا **سفر**^۲ می‌نامد. یعنی مسیرهای طولانی که دارای مقصدهای فرعی است. نویسنده‌ی انگلیسی‌زبان در رویارویی با این مسیر پیچیده، عناصر مسیر را به صورت زنجیره در کنار یکدیگر قرار داده و با کمک یک فعل حرکتی و چند تابع آن را صورت‌بندی کرده است. حال در ترجمه‌ی فارسی این رویداد حرکتی مشاهده می‌کنیم که مترجم هر عنصر مسیر را با کمک یک فعل حرکتی در دو جمله‌ی جداگانه توصیف نموده است. در جمله‌ی اول، فعل شیوه‌نما و مسیرنمای (بالا جست) که تابع آن سازه‌ی قیدی (بالا) می‌باشد و فعل مسیرنمای (رسید) در جمله‌ی دوم. لازم به ذکر است که سازه‌ی قیدی suddenly و معادل فارسی آن یعنی (یک دفعه) شیوه‌ی حرکت را نشان می‌دهند.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + سازه‌ی قیدی + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم ۱: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + سازه‌ی قیدی

الگوی حرکتی مترجم ۲: فعل مسیرنما + گروه حرف اضافه

لازم به ذکر است که بر طبق بررسی‌های اسلویین (۱۹۹۶ الف؛ ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۵) زبان‌های فعل‌بنیاد نظیر فرانسه، اسپانیا، پرتغال و جز آن در توصیف مسیرهای پیچیده از الگوی مشابه درج یک فعل مسیرنما برای هر عنصر مسیر بهره می‌گیرند. به کلام دیگر، مترجم فارسی‌زبان در این جا از الگوی مشابه زبان‌های فعل‌بنیاد پیروی نموده است. این الگو را می‌توان در نمونه ۱۶ و ۱۷ نیز مشاهده نمود:

16- And they flew away from the mountain,

و آن‌ها پر گرفتند و از کوه دور شدند.

فعل حرکتی fly (پرواز کردن)، یک فعل شیوه‌نما و مسیرنما می‌باشد. away، به عنوان تابع فعل بر مسیر کلی حرکت تأکید دارد. گروه حرف اضافه‌ی from the mountain، نیز مسیر دقیق حرکت

۱ complex path

۲ journey

را نشان می‌دهد. در ترجمه‌ی این جمله به زبان فارسی مشاهده می‌نماییم که مترجم این رویداد حرکتی و مسیرهای پیچیده آن را در دو فعل مجزا بیان داشته است. لازم به ذکر است که در فعل حرکتی (دور شدن)، سازه‌ی فرایندنمای (دور)، تابع فعل محسوب می‌شود.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل شیوه‌نما و مسیرنما + تابع + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم ۱: فعل شیوه‌نما و مسیرنما

الگوی حرکتی مترجم ۲: فعل مسیرنما + گروه حرف اضافه

17- We are going to **turn aside here out of the path of the side.**

این جا می‌پیچیم و خودمان را از مسیر این سرایشی می‌کشیم کنار.

فعل انگلیسی *turn* (حرکت کردن به مسیر دیگری)، یک فعل مسیرنما می‌باشد که علاوه بر حرکت، مسیر حرکت را واژگانی می‌کند. تابع فعلی *aside* مسیر دقیق حرکت را نشان می‌دهد. سپس از طریق تابع *out* و گروه حرف اضافه‌ی جمله، ادامه مسیر پیکر را ترسیم می‌کند. حال مترجم فارسی‌زبان، در دو جمله‌ی جداگانه و از طریق دو فعل مسیرنما یعنی در جمله‌ی اول فعل مسیرنمای (پیچیدن) و در جمله‌ی دوم فعل مسیرنمای (کشیدن کنار)، این رویداد حرکتی و مسیرهای آن را به زبان فارسی بیان می‌دارد. باید اضافه نماییم که در فعل حرکتی (کشیدن کنار)، سازه‌ی قیدی (کنار)، تابع فعل می‌باشد.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما + تابع + تابع + گروه حرف اضافه

الگوی حرکتی مترجم ۱: فعل مسیرنما

الگوی حرکتی مترجم ۲: فعل مسیرنما + گروه حرف اضافه

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مترجم فارسی‌زبان علاوه بر راهبردهای ترجمه‌ی مسیر اسلویین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۲۰۰۰) که بیشتر به آن اشاره شد در چند نمونه از راهبردهای دیگری نیز بهره گرفته است. این راهبردها عبارتند از:

راهبرد P-4: جایگزینی یک فعل مسیرنما با یک فعل حرکت‌نما

راهبرد P-5: جایگزینی یک فعل مسیرنما با یک فعل شیوه‌نما

در نمونه‌ی زیر مترجم فعل حرکت‌نمای (حرکت کردن)، را جایگزین فعل مسیرنمای (*closed*)

(*in*) کرده است:

18-But it **closed** slowly **in,**

اما یواش یواش به طرف داخل حلقه حرکت می‌کرد.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسير نما

الگوی حرکتی مترجم: فعل حرکت نما

در نمونه‌ی ۱۹ نیز مترجم فعل شیوه‌نمای (قل دادن) را جایگزین فعل مسيرنمای (send) کرده است:

19- But they won't find it difficult to **send** stones **bouncing down on our heads**.

ولی اصلاً برایشان سخت نیست که سنگ‌ها را از آن بالا قل بدهند سر ما.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسير نما

الگوی حرکتی مترجم: فعل شیوه‌نما

۵- نوع و کمیت ترجمه‌ی مسير

اسلویین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) در بررسی راهبردهای ترجمه، نوع و کمیت اطلاعات مربوط به مسير حرکت را در فرآیند ترجمه مورد توجه قرار نداده است. لیکن ایبارکس سانتینونو (۲۰۰۳) در بررسی نحوه‌ی بیان رویدادهای حرکتی در فرآیند ترجمه از زبان انگلیسی به زبان باسک و اسپانیایی به این نکته اشاره می‌دارد که باید در فرآیند ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد اطلاعات مربوط به نوع و کمیت مؤلفه‌های حرکتی را نیز در نظر داشته باشیم. از این رو، نگارندگان در چارچوب این بررسی بینابانی در قالب چند نمونه، راهبردهای مربوط به نوع و کمیت در بیان مؤلفه‌ی مسير حرکت را شرح می‌دهند و آن را به راهبردهای ترجمه‌ی اسلویین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) می‌افزایند. گاهی اوقات در ترجمه‌ی مؤلفه‌های حرکت و در این‌جا مسير حرکت، مترجم اطلاعاتی از مسير حرکت را بیان می‌دارد که با مسير اصلی حرکت در جمله‌ی مبدأ متفاوت می‌نماید. به کلام دیگر، مترجم نوع متفاوتی از مسير حرکت را به زبان مقصد بیان می‌کند. نگارندگان این راهبرد را p-6 می‌نامند.

نمونه‌های ۲۰ و ۲۱ راهبرد مربوط به بیان نوع متفاوتی از مسير حرکت در ترجمه را نشان می‌دهند:

20- We have **gone** miles and miles,

ما الان مایل‌ها و مایل‌ها راه آمده‌ایم،

در جمله‌ی اصلی، فعل مسیرنمای go (رفتن)، مسیر حرکت به دور از زمینه را نشان می‌دهد. در ترجمه‌ی این جمله به زبان فارسی، فعل حرکتی (راه آمدن)، معادل آن واقع شده است که اطلاعات مربوط به مسیر حرکت (به سوی زمینه) را بیان می‌کند. در این نمونه مترجم نوع متفاوتی از مسیر حرکت را بیان داشته است.

الگوی حرکتی نویسنده: فعل مسیرنما

الگوی حرکتی مترجم: فعل مسیرنما

21- As long lines of the wicked folk crept **down** the hillsides from their gate.

صف دراز این مردم شریک از دم دروازه‌شان در دامنه‌ی تپه بیرون می‌خزید.

در نمونه‌ی ۲۱، مترجم در خصوص بیان مسیر حرکت، اطلاعات متفاوتی را بیان می‌کند. یعنی به جای مسیر به سمت پایین، مسیر بیرون از زمینه را بیان می‌کند.

در ادامه، راهبرد ترجمه‌ی مربوط به بسط اطلاعات مسیر حرکت در جمله‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴ متجلی است. منظور از راهبرد فوق‌الذکر، اضافه نمودن اطلاعات بیشتر بر مسیر حرکت در فرآیند ترجمه‌ی این مؤلفه به زبان مقصد می‌باشد. یعنی مترجم علاوه بر بیان اطلاعات مسیر حرکت در جمله‌ی اصلی، جزئیات بیشتری از مسیر حرکت پیکر را بیان می‌کند. یعنی بسط اطلاعات مربوط به مسیر حرکت که آن را p-7 می‌نامیم.

22- Or were slender enough to **swarm up**.

یا آنقدر باریک بودند که بشود چهارچنگولی از آن‌ها بالا رفت.

23- As he **came hurtling down** like a thunderbolt.

اگر مثل برق از آن بالا می‌پرید پایین،

24- But in those days they sometimes used to **go** on raids.

اما در آن روزگار گاهی وقت‌ها برای چپاول از کوه پایین می‌آمدند.

در نمونه‌های فوق، مترجم با استفاده از گروه حرف اضافه، عنصر دیگری را به مسیر حرکت افزوده است. بسامد وقوع این راهبردها در ترجمه‌ی انگلیسی به فارسی متن مورد نظر به قرار زیر است:

p-1 ۱۰،۲۸٪

p-2 ۱۳،۷۱٪

p-3 ۶۶,۲۸٪

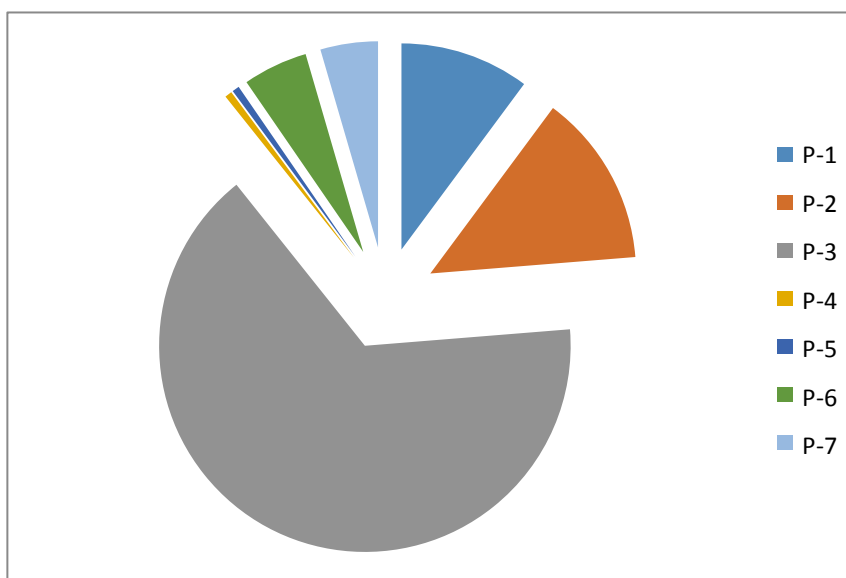
p-4 ۰,۵۷٪

p-5 ۰,۵۷٪

p-6 ۵,۱۴٪

p-7 ۴,۵۷٪

توزیع راهبردهای فوق را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود:



نمودار ۱- توزیع راهبردهای ترجمه‌ی مسیر

۶- نتیجه‌گیری

بررسی فرآیند ترجمه‌ی رویدادهای حرکتی از زبان مبدأ به زبان مقصد می‌تواند به مثابه یک ویژگی رده‌شناختی قلمداد شود. در گسترده‌ی پژوهش حاضر و بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از بررسی نحوی بیان مسیر حرکت در متن اصلی فصل ششم کتاب هاییت به زبان انگلیسی (۱۹۳۷) و ترجمه‌ی فارسی (علیزاده، ۱۳۸۳) و نیز با استناد به راهبردهای ترجمه اسلویین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰)، مشخص شد که مترجم در اکثر موارد اطلاعات مربوط به مسیر حرکت را به

زبان فارسی بیان نموده است (راهبرد p-3) و حتی در مواردی اطلاعاتی بر مسیر حرکت افزوده است (راهبرد بسط مسیر حرکت). از طرفی مترجم در بیان مسیرهای پیچیده، شیوه‌ی کاملاً متفاوتی را اتخاذ کرده است. یعنی عناصر پیچیده‌ی مسیر درون یک بند را که نویسنده در یک فعل حرکتی و چند تابع مسیر بیان داشته است، در جملات جداگانه و از طریق فعل مسیرنما ترسیم نموده است. این نحوه‌ی بازنمود مسیر، مختص زبان‌های فعل‌بنیاد می‌باشد. لذا در گستره‌ی این پژوهش مشخص شد که در فرآیند ترجمه‌ی مؤلفه‌ی مسیر حرکت از زبان مبدأ به زبان مقصد تغییراتی صورت می‌گیرد و این تغییرات در قالب راهبردهای ترجمه‌ی اسلوبین (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶ الف و ب؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۰) قابل شناسایی و تحلیل است. همچنین با افزودن بر تعداد این راهبردها و بررسی نوع و کمیت بیان اطلاعات مسیر حرکت در محدوده‌ی این ترجمه برخی امکانات و محدودیت‌های زبان فارسی آشکار گردید. تحلیل راهبردهایی که مترجم در فرآیند ترجمه از زبان انگلیسی به زبان فارسی اعمال کرده است این امکان را برای ما فراهم آورده است تا بتوانیم درباره‌ی برخی ویژگی‌های زبان فارسی در بازنمایی حرکت پیش‌بینی‌هایی انجام دهیم. این که در طبقه‌بندی دوگانه‌ی تالمی (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۰ ب) زبان فارسی در پیوستاری از زبان‌های تابع‌بنیاد تا فعل‌بنیاد قرار می‌گیرد. نگارندگان آگاه هستند که برای تعمیم بیشتر نیاز است که ترجمه‌های دیگر این اثر به زبان فارسی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر آن است که در برخی نمونه‌ها دو مقوله‌ی دستوری متفاوت برای بیان مفهوم حرکتی مشابهی در دو زبان به جای یکدیگر به کار رفته‌اند. مانند تبدیل تابع به فعل مسیرنما (راهبرد درج یک فعل مسیرنما) و یا استفاده از گروه حرف اضافه به جای تابع برای بیان مسیر حرکت که در نمونه‌های ارائه شده مشهود است به بیان دیگر، الگوهای معنی‌شناسی مکانی - توزیعی در بیان مسیر حرکت در متن انگلیسی و ترجمه‌ی مذکور متفاوت می‌باشند؛ این اثباتی است بر نظریه فکر کردن برای صحبت کردن. بر اساس این نظریه زبان‌های مختلف دارای امکانات واژگانی - نحوی خاص خود هستند. لذا سخنگویان زبان‌های مختلف مطابق با ابزارهای صوری که آن زبان خاص در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد دست به انتخاب می‌زنند. همچنین در گستره‌ی این پژوهش ارزش ترجمه در حوزه‌ی رده‌شناسی و ارتباط آن با حوزه‌ی زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفت.

کتابنامه

- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۱). *هابیت یا آنجا و بازگشت دوباره*. ترجمه‌ی پریا آقاسی بیگ. تهران: نشر فروغ قلم.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۱). *هابیت*. ترجمه‌ی فرزاد فرید. تهران: نشر پنجره.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۱). *هابیت‌ها یا رفت و بازگشت از سفر*. ترجمه‌ی ماه‌منیر فتحی. تبریز: نشر فروغ آزادی.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۲). *هابیت*. ترجمه‌ی شاهده سعیدی. تهران: نشر چشمه، کتاب و نوشته.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۳). *هابیت یا آنجا و بازگشت دوباره*. ترجمه‌ی رضا علیزاده. تهران: روزنه.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۹۰). *هابیت، آنجا و بازگشت دوباره*. ترجمه‌ی نازنین پوریان. قم: نشر بهمن‌آرا.
- حامدی، شیروانی و شریفی، شهلا. (۱۳۹۳). «بررسی رده‌شناختی مقوله «قمر» در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی». فصلنامه‌ی جستارهای زبانی. شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، ۷۱-۸۹.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۹۰). «آیا انضمام و ترکیب در زبان فارسی توجیه‌پذیر است؟». مجموعه مقالات سومین هم‌نایشی صرف. به کوشش فریبا قطره و شهرام مدرس صادقی. تهران: انجمن زبانشناسی ایران و اهورا. ۸۱-۱۰۶.
- مسگرخویی، مریم. (۱۳۹۲). «بازنمود مسیر در افعال حرکتی فارسی». ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان. شماره ۹.
- Berthele, R. (2004). "The typology of motion and posture verbs: a variationist account". in B. Kortmann (ed). *Dialectology Meets Typology: Dialect Grammar from a Cross-Linguistic Perspective*. Berlin / New York, Mouton de Gruyter. 93-126.
- Cifuentes Férez, P. (2008). "Motion in English And Spanish: A Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics". Ph.D. Dissertation. University de Murcia.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2003). "What translation tells us about motion: A contrastive study of typologically different languages". Unpublished paper, University of Deusto – University of the Basque Country: Bilbao.
- Ibarretxe-Antuñano, I. (2012). "Linguistic typology in motion events: Path and manner". In *Anuario del Seminario de Filología Vasca 'Julio de Urquijo'*. International Journal of Basque Linguistics and Philology.
- Lackoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. University of Chicago Press.

- Noguchi, H. (2011). "Talmy's Dichotomous Typology and Japanese Lexicalization Patterns of Motion Events". in *TESOL and Applied Linguistics*, Vol. 11, No. 1. 29-47.
- Oh, K. (2003). [Unpublished analysis of Korean translation of *The Hobbit*]. Dept of Psychology, University of California: Berkeley.
- Sinha, C. Kuteva, T. (1995). "Distributed spatial semantics". *Nordic Journal of Linguistics*, 18. 167-199.
- Slobin, D. I. (1991). "Learning to Think for Speaking: Native Language, Cognition, and Rhetorical Style". *Pragmatics 1*. 7- 26.
- Slobin, D. I. (1996a). "From thought and language to thinking for speaking". In John J. Gumperz and Stephen C. Levinson. (eds). *Rethinking Linguistic Relativity*. Cambridge University Press: Cambridge. 70-96.
- Slobin, D. I. (1996b). "Two ways to travel: Verbs of motion in English and Spanish". In Masayoshi Shibatani and Sandra A. Thompson. (eds). *Grammatical Constructions: Their Form and Meaning*. Oxford: Clarendon Press.
- Slobin, D. I. (1997a). "Mind, code, and text", In Joan Bybee, John Haiman and Sandra A. Thompson. (Eds). *Essays on Language Function and Language Type*. Dedicated to T. Givón. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins. 437-467.
- Slobin, D. I. (1997b). "The origins of grammaticizable notions: Beyond the individual Mind", In Dan I. Slobin, (ed). *The Crosslinguistic Study of Language Acquisition*, Vol. 5. Expanding the Context. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum. 265-323.
- Slobin, D. I. (2000). "Verbalized events: A dynamic approach to linguistic relativity and determinism". In Niemeier, S. and Dirven, R. (Eds). *Evidence for linguistic relativity*. Berlin, Mouton de Gruyter, 107-138.
- Slobin, D. I. (2005). "Relating Narrative Events in Translation", In Ravid, D & Shyldkrot, H. B. (Eds). (2005). *Perspectives on language and language development*. Essays in honor of Ruth A. Berman. Dordrecht: Kluwer. 115-129.
- Slobin, D. I. (2008). "Typology and Usage: beyond Verb-framed and Satellite-framed". Talk given at Frames and Constructions: A Conference in Honor of Charles J. Fillmore. University of California: Berkeley.
- Sugiyama, Y. (2000). "Expressing manner in the Japanese translation of *The Hobbit*: A preliminary study of comparison between Japanese and English stories". Unpublished paper. LIN 636 Seminar on Space, Time, and Force, SUNY Buffalo.

- Talmy, L. (1985). "Lexicalization patterns: Semantic structure in lexical forms". Cambridge, MA: The MIT Press.
- Talmy, L. (1991). "Path to realization". Proceedings of the Seventeenth Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society. Berkeley Linguistics Society. University of California: Berkeley. 480-519.
- Talmy, L. (2000b). *Toward a cognitive semantics*, vol. 2. Cambridge: MIT Press.
- Talmy, L. (2007). "lexical typologies". in T, Shopen. (2007). *language typology and syntactic universals*. vol. 3. 2nd edition. Cambridge University Press: Cambridge. 66-169.
- Tolkien, J. R. R. (1937). *The Hobbit or there and back again*. London: George Allen and Unwin.
- Walchli, B. (2001). "A typology of displacement". Sprachtypol. University.forsch (STUF), 54. 298- 323.
- Wälchli, B. (2008). "Review of Yu, Alan. A Natural History of Infixation". Oxford: Oxford University Press. (2007). (Oxford Studies in Theoretical Linguistics, 15). *Linguistic Typology* 12.1. 167-179.